

<https://pecritique.com/>

# کابوس حمله‌ی زمینی به غزه و پی‌آمدهای آن

نقد اقتصاد سیاسی  
آبان‌ماه ۱۴۰۲

فرد وستون



Mohammed Salem/Reuters

در حالی که اسرائیل نیروهای خود را برای تهاجم زمینی به غزه آماده می‌کند، همه‌ی رهبران امپریالیست‌های غرب، از بایدن تا سوناک، شولتز و مکرون، بسیار دست‌پاچه می‌شوند. آنها نگران‌اند که در پایان کار، دنیایشان چه‌گونه خواهد بود.

تام فلچر، سفیر سابق بریتانیا در لبنان، در روزنامه‌ی [فایننشال تایمز](#) (۲۲ اکتبر ۲۰۲۳) این وضعیت را از دیدگاه بورژوازی چنین خلاصه می‌کند: «در خاورمیانه مداخله کنید، شما را پس می‌زند. مداخله نکنید، شما را پیش می‌راند. بین این دو حالت تاب بخورید، شما را پس می‌زند.» به عبارت دیگر، هر کاری که امپریالیست‌ها انجام دهند خطا خواهد بود.

وانگهی، آنها در شرایطی گیر کرده‌اند که ناچار به حمایت از نتانیاهو هستند و در عین حال سعی می‌کنند او را به سمتی که می‌خواهند سوق دهند. اما در مواجهه با نتانیاهو با مشکل مواجه می‌شوند. او اساس تفکر خود را صرفاً بر اساس منافع طبقه‌ی حاکم اسرائیل نگذاشته، بلکه علاوه بر آن دل‌مشغول بقای سیاسی خودش است. او اکنون اعتبار خود را بر سر «نابودی حماس» گذاشته است.

روشن است که در میان طبقه‌ی حاکم اسرائیل اختلافاتی برسر معنای نابودی حماس وجود دارد. اما اگر نتانیاهو رهش را ادامه دهد، امپریالیست‌ها در نهایت به حمایت از تهاجم زمینی برنامه‌ریزی‌شده‌ی اسرائیل به غزه کشیده می‌شوند، که حمام خونی خواهد بود بسیار بدتر از هر چیزی که تاکنون دیده‌ایم. همه‌ی رهبران غرب با دستانی خونین از این وضعیت خارج خواهند شد و مورد نفرت و نفرین کارگران و جوانان هم در خاورمیانه و هم در کشورهایشان خواهند بود.

مقاله‌هایی که در مطبوعات منتشر می‌شوند سعی می‌کنند نشان دهند که ارتش اسرائیل پس از ورود به غزه با چه وضعیتی مواجه خواهد شد. «فایننشال تایمز»، «اوشنگتن پست»، مجله‌ی «فارین پالیسی»، «گاردین» و بسیاری دیگر، همگی در حال بررسی این موضوع بوده، و صدمات بر جان انسان‌ها و تأثیر آن بر خاورمیانه و جهان به طور کلی را محاسبه می‌کنند. همه برسر این امر توافق دارند که کارزار بسیار سخت خواهد بود، بسیار بیش از آنچه ارتش اسرائیل می‌گوید، طول می‌کشد و به درد و رنج وحشتناکی برای مردم فلسطینی در غزه منجر خواهد شد.

در ۱۹ اکتبر، [فایننشال تایمز](#) به نقل از دیوید پترائوس، ژنرال آمریکایی که نیروهای ناتو در عراق و افغانستان را رهبری می‌کرد، در مورد غزه گفت: «به‌طرز هولناکی سخت خواهد بود... فعلاً نمی‌توانم شرایط سخت‌تری را تصور کنم.» و همین مقاله اهداف جنگی نتانیاهو را تشریح می‌کند: «...رژیم حماس را سرنگون کنید و توانایی‌های نظامی آن را نابود کنید؛ خطر حملات از غزه را از بین ببرید؛ بازگشت گروگان‌های نزد حماس را تضمین کنید؛ و از مرزها و شهروندان اسرائیل دفاع کند.»

## درس‌های موصل

آنچه در این‌جا مشاهده می‌کنیم سطحی از مرگ و ویرانی در ابعاد بی‌سابقه در غزه است. در حال حاضر، تعداد فلسطینی‌های کشته شده با تمام کشته‌شدگان بین سال‌های ۲۰۰۸ تا قبل از حمله‌ی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برابری می‌کند! فقط در کم‌تر از سه هفته، تعداد تلفات غیرنظامیان بیشتر از نصف تلفات غیرنظامیان در طول یک سال و نیم درگیری در اوکراین بوده است.

برای دریافت تصویری از وضعیتی که ارتش اسرائیل ممکن است در آن قرار گیرد - اگر نتانیاهو موفق شود تمام راه را طی کند - مقایسه‌هایی با نحوه‌ی بازپس‌گیری موصل در عراق از نیروهای داعش در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ انجام شده است.

موصل حدود دو میلیون نفر جمعیت داشت، مشابه غزه‌ی امروز. داعش موفق شد حدود ۸۰۰۰ جنگجوی خود را در شهر مستقر کند که در انتظار یکصد هزار نظامی قدرتمند عراق به فرماندهی آمریکا بودند.

برای آماده کردن شهر به‌منظور ورود نیروهای نظامی، آن را وسیعاً بمباران کردند، اما مجموعه‌ای از ساختمان‌های ویران‌شده و خرابه‌ها باقی ماند که جنگجویان داعش می‌توانستند از آن به‌عنوان پوشش استفاده کنند.

یک افسر نیروهای ویژه‌ی غربی که همراه با ارتش عراق در موصل بود، [توضیح می‌دهد](#) که: «شهرها هزاران مخفیگاه دارند... اگر می‌خواهید دشمنی را حذف کنید، باید منطقه را خانه به خانه پاکسازی کنید. اما این شما را در خطری تمام‌عیار قرار می‌دهد. شما

نمی‌توانید به‌سادگی از آن عبور کنید.» بازپس‌گیری موصل در نهایت نه ماه طول کشید که بسیار بیشتر از زمانی است که قبلاً محاسبه شده بود.

برآوردها درباره‌ی تعداد جنگجویان حماس در غزه متفاوت است، اما می‌تواند بین ۳۰ تا ۴۰ هزار جنگجو داشته باشد که در آن میان هسته‌ای متشکل از ۱۰ هزار جنگجوی ماهر هست. جهاد اسلامی فلسطین نیز حدود ۱۵ هزار جنگجو دارد. یعنی در غزه نیروهایی وجود دارند که حدود پنج برابر نیروهای داعش در موصل هستند. با این حال، وضعیت غزه نیز متفاوت است، به این معنا که جنگجویان حماس در سرزمین خود فعالیت خواهند کرد و از موطن خود دفاع خواهند کرد. حماس همچنین می‌تواند از انبوه داوطلبانی که آماده‌ی پیوستن به تلاش برای توقف ارتش اسرائیل هستند، استفاده کند.

همچنین حماس، در مقایسه با داعش در موصل، زمان بیشتری برای آماده‌سازی در اختیار داشته است. آنها شبکه‌ی پیچیده‌ای از تونل‌ها ساخته‌اند - طبق برخی گزارش‌ها نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر - که جنگجویان می‌توانند به داخل آن فرار کنند یا می‌توانند از آن حملات غافلگیرانه انجام دهند. آنها قادر خواهند بود از جهات غیرمنتظره به نیروهای اسرائیلی حمله کنند. این به معنای واقعی کلمه مبارزه بر سر هر گوشه از شهر خواهد بود. حماس همچنین با برخورداری از مین، موشک‌های ضدتانک و پهپادهای مسلح نسبت به گذشته تسلیحات پیچیده‌تری را انباشته کرده است.

روند پیشرفت در سال ۲۰۰۸ و بار دیگر در سال ۲۰۱۴ - زمانی که نیروهای زمینی اسرائیل تنها برای چند هفته وارد غزه شدند - پیش‌بینی آنچه را که قرار است پیش بیاید، به دست می‌دهد. در مجموع در این دو عملیات حدود ۳۵۰۰ فلسطینی کشته شدند و ارتش اسرائیل ۷۰ سرباز را از دست داد. آنچه آنها امروز برنامه‌ریزی می‌کنند در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر است و به‌ناچار منجر به خسارات هنگفت از هر دو طرف خواهد شد و بخش عمده‌ای از کشته‌شدگان غیرنظامیان خواهند بود.

به گفته‌ی کارشناسان، برای تهاجم زمینی موفقیت‌آمیز به غزه نیاز به نیرویی متشکل از پنج سرباز اسرائیلی به‌ازای هر جنگجوی حماس است. اگر رقم ۵۰ هزار جنگجوی در اختیار حماس که قبلاً گفته شد صحیح باشد، بدان معناست که برای دستیابی به

اهدافی که نتانیاهو اعلام کرده ۲۵۰ هزار سرباز اسرائیلی موردنیاز است. تعداد سربازان بسیج شده بیش تر است - اگرچه به دلیل تهدید نیروهای حزب الله، تعدادی مجبور شده‌اند در مرز شمالی مستقر شوند. به‌طور نظری، آنها نیروهای کافی برای نابودی کامل غزه، در صورت تمایل، دارند - البته ادامه‌ی چنین کارزاری داستان کاملاً متفاوتی است. بیا بید برای لحظه‌ای به تجربه‌ی موصل در عراق برگردیم. به گفته‌ی پاتریک کوبرن، روزنامه‌نگار مشهور که برای «[این‌دپندنت](#)» (۱۹ ژوئیه ۲۰۱۷) می‌نویسد: «بر اساس گزارش‌های اطلاعاتی، بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی در نبرد ویرانگر برای بازپس‌گیری موصل از داعش کشته شدند...»

کوبرن در ادامه برخی از دلایل این سطح از تلفات غیرنظامیان را توضیح می‌دهد: «بخش عمده‌ای از سطح فاجعه‌بار ویرانی در غرب موصل به گردن حملات هوایی است، اما در سطح زمین آشکار است که بسیاری از خسارات ناشی از گلوله‌های توپخانه و راکت‌ها بوده است. این امر در گزارش هفته‌ی گذشته عفو بین‌الملل با عنوان "به هر قیمت: فاجعه‌ی غیرنظامیان در غرب موصل، عراق" تأیید شده است که به استفاده‌ی بیشتر و بی‌رویه‌تر از قدرت آتش توسط نیروهای طرفدار دولت در *مراحل پایانی حمله به شرق موصل* اشاره می‌کند که *از ژانویه‌ی ۲۰۱۷ آغاز شد و طی شش ماه بعد در طول حمله به غرب موصل ادامه یافت.*» [تأکید از من]

این نشان می‌دهد که از آنجایی که درگیری‌های خیابانی متضمن تلفات بزرگ نیروی انسانی نظامی برای ارتش عراق بود، تمایل به توسل به بمبارانی هرچه بیشتر به‌ناچار افزایش یافت. می‌توانیم اتفاق مشابهی را در غزه تصور کنیم. از آنجایی که ارتش اسرائیل با میدان به‌غایت خطرناکی روبرو خواهد شد، سعی خواهند کرد با توسل هرچه بیشتر به بمباران از راه دور برای تسهیل عملیات نیروهای زمینی خود هنگام رفتن به منطقه، تلفات خود را به حداقل برسانند.

## سناریوی کابوس آماده می‌شود

معنای این برای غیرنظامیان غزه چیست؟ معنای ناگزیر آن مرگ ده‌ها هزار نفر است. ۴۰ هزار کشته در موصل گواه پی‌آمدهای تهاجمی زمینی از این دست است. ارتش اسرائیل بارها به غیرنظامیان فلسطینی دستور داده است که شمال غزه را ترک کرده و به جنوب بروند، اما شرایطی که مردم در جنوب پیدا کرده‌اند باعث شده برخی از آنها به شمال برگردند. نه تنها کمبود همه چیز، از آب تا داروهای اولیه، از غذا تا مسکن، وجود دارد بلکه برخی از آنها پس از رسیدن به جنوب و حتی [در مسیر حرکت به جنوب](#) بمباران شده‌اند. این بدان معناست که اگرچه بسیاری شهر غزه را ترک کرده‌اند، اما همچنان غیرنظامیان زیادی باقی خواهند ماند.

این عملیات سریعی نخواهد بود. ارتش اسرائیل از جنگ ۵۰ روزه صحبت می‌کند، اما موصل نشان می‌دهد که چنین محاسباتی بی‌ارزش است. برخی گمان‌زنی می‌کنند که تا رسیدن ارتش اسرائیل به اهدافش ممکن است ماه‌ها و شاید حتی بیشتر، زمان لازم باشد. در نتیجه شهر غزه با خاک یکسان می‌شود.

همانطور که مجله‌ی «[فابین پالیسی](#)» از مایکل لینک - گزارشگر ویژه‌ی سابق سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی - نقل کرده است: «قرار است تلاش قاطعی برای از بین بردن حماس وجود داشته باشد. و تنها راه برای انجام این کار، ویران کردن بخش‌های بزرگ غزه و جمعیت غیرنظامی آن است.» [تأکید از من]

این همان سناریوی کابوسی است که برای مردم فلسطین در غزه آماده می‌شود. سربازان اسرائیلی بسیاری نیز کشته خواهند شد و بسیاری از ۲۰۰ گروه‌گانی که در دست حماس هستند نیز ممکن است از بین بروند. این همچنین تأخیر ارتش اسرائیل در آغاز حمله‌ی زمینی خود را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد بین برخی از فرماندهان نظامی و دولت کنونی اسرائیل در مورد چگونگی انجام تهاجم برنامه‌ریزی شده اختلاف نظر وجود دارد.

رهبران بورژوازی غرب نیز برای به تأخیر انداختن تهاجم فشار وارد می‌کنند و بر مسئله‌ی آزاد کردن گروه‌گان‌های حماس قبل از ورود اصرار می‌ورزند.

آنها همچنین در مورد اجازه‌ی کمک به غزه برای تسکین فاجعه‌ی انسانی وحشتناکی که نوار غزه در آن غوطه‌ور شده، سروصدای بیشتری به راه انداخته‌اند. در این‌جا عنصر سیاسی بسیار قدرتمندی برای امپریالیست‌ها دخیل است. در یک سناریوی ایده‌آل، آنها ترجیح می‌دهند از تهاجم زمینی اجتناب کنند. اما این سناریو وجود ندارد و آنها هیچ گزینه‌ای ندارند مگر حمایت از اسرائیل به‌عنوان تنها متحد قابل‌اتکای خود در منطقه.

اما برای حفظ اندکی حمایت عمومی از این جریان - حمایتی که پیش‌بینی می‌کنند با انباشته شدن وحشت در غزه به‌سرعت از بین می‌رود - نیاز دارند که در معرض عموم کمی به وضعیت اسفبار مردم فلسطین در غزه و نگرانی‌های بشردوستانه توجه نشان دهند.

کارشناسان سازمان ملل پیش‌تر هشدار داده‌اند که اگر به‌زودی اجازه‌ی ارسال تدارکات ضروری به مقدار کافی به غزه داده نشود، «خطر قحطی اجتناب‌ناپذیر» برای جمعیت غیرنظامی غزه وجود دارد. همچنین به‌دلیل بدتر شدن شرایط بهداشتی و کمبود آب تصفیه‌شده، خطر شیوع بیماری‌های کشنده‌ی ناشی از آب مانند وبا وجود دارد.

اسرائیل عرضه‌ی آب، همچنین تدارک سوخت و برق را قطع کرده است. بدون برق، آب اندکی که هست قابل پمپاژ نیست و کارخانه‌های پساب قادر به کار نیستند. بسیاری از مردم در حال حاضر مجبور شده‌اند در خیابان‌ها یا در محل‌های اسکان موقت بخوابند. دیگران در آپارتمان‌هایی زندگی می‌کنند که میزبان ۳۰-۴۰ نفر، گاهی تا ۱۰۰ نفر هستند. و هنگامی که تهاجم زمینی آغاز شود، همه‌ی این‌ها به‌طور تصاعدی بدتر خواهد شد.

به محض ورود ارتش اسرائیل، تصاویر صفحه‌های تلویزیون میلیون‌ها نفر را در سرتاسر جهان به‌تازگی خواهد کرد، اما این امر تأثیر به‌ویژه چشمگیری بر مردمان خاورمیانه خواهد داشت. تاکنون شاهد تظاهرات عظیم، تجمعات و تظاهرات گسترده در سراسر منطقه بوده‌ایم. مقدر است این جنبش بسیار بزرگ‌تر شود.

این امر دلیل برگزاری «اجلاس قاهره برای صلح» در شنبه‌ی گذشته را توضیح می‌دهد که در آن نمایندگان از اردن، قطر، مصر، آفریقای جنوبی، فرانسه، آلمان،

روسیه، چین، بریتانیا، و همچنین مقامات اتحادیه‌ی اروپا و سازمان ملل، و ایالات متحده و غیره - اگرچه هیچ مقام ارشد آمریکایی در آن حضور نداشت - درباره‌ی راه‌های «کاهش تنش» جنگ بحث کردند.

این رهبران آشکارا به‌غایت نگران‌اند که ورود نیروهای اسرائیلی به غزه، تأثیر بی‌ثبات‌کننده‌ای در کشورهای خودشان خواهد داشت. البته مشکل این است که هیچ کس از اسرائیل در این اجلاس حضور نداشت و تنها کسانی که می‌توانند «تنش‌زدایی» کنند ژنرال‌های اسرائیلی و نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و کابینه‌ی جنگ او هستند. همه‌ی سخنرانی‌های توهم‌آمیز شنبه‌ی گذشته چیزی بیش از حرافی نیست.

در مرحله‌ی کنونی، ارتش اسرائیل کماکان به آماده‌سازی خود برای ورود ادامه می‌دهد. هنگامی که این کار آغاز شود، شاهد خونریزی‌های بسیار خواهیم بود. و به سبب آن تنش‌ها در سراسر منطقه حتی بیشتر خواهد شد. تاکنون شاهد بودیم که موشک‌های شلیک شده از یمن توسط ناو جنگی آمریکایی در هفته‌ی گذشته سرنگون شد. پایگاه سربازان آمریکایی در عراق و سوریه مورد حمله قرار گرفته‌اند و ایران به‌طور مستقیم و همچنین از طریق متحد خود حزب‌الله لبنان بر در معرض خطر بودن واحدهای آمریکایی در کل منطقه تأکید کرده است.

## همبستگی روزافزون با فلسطین

روز شنبه، شاهد تظاهرات حدود ۳۰۰ هزار نفر در لندن در همبستگی با مردم فلسطین بودیم. در فرانسه، مقامات برگزاری چنین تظاهراتی را ممنوع کرده بودند، اما تحت فشار شدید مجبور شدند پنجشنبه‌ی گذشته این ممنوعیت را لغو کنند. نتیجه این شد که حداقل ۳۰ هزار نفر در روز یکشنبه در پاریس راهپیمایی کردند و پرچم‌های فلسطین را به اهتزاز درآوردند و شعار «غزه، پاریس با توست» سر دادند. تاکنون این بزرگ‌ترین تجمع در فرانسه بوده است. در سرتاسر جهان شاهد تظاهرات بسیار بیشتری بوده‌ایم.



با گسترش قصابی در غزه قطعاً این جنبش رشد می‌کند. رسانه‌ها به شدت در تلاش‌اند تا افکار عمومی را به نفع اسرائیل شکل دهند. اما این کار بسیار دشوار است، و زمانی که اثرات کامل تهاجم برای همه روشن شود، حتی دشوارتر هم خواهد شد.

بسیاری از مردم تاکنون توانسته‌اند به‌رغم تبلیغات، به‌رغم تمام دروغ‌ها و تهمت‌ها، وضعیت را دریابند. آنها به‌وضوح درک می‌کنند که بمباران کنونی و تهاجم آینده ربطی به پاسخ به حمله‌ی حماس در ۷ اکتبر ندارد. این حملات صرفاً در سطحی بسیار بالاتر، ادامه‌ی ده‌ها سال ستم بر مردم فلسطین هستند که ۷۵ سال بدون وطن بوده‌اند.

رسانه‌ها، به منظور عقب راندن سنگرهای پشتیبانی از مردم فلسطین، به هرکسی که علناً مخالفت خود را با جنگ اسرائیل علیه غزه ابراز می‌کند اتهامات یهودی‌ستیزی یا حمایت از تروریسم زده‌اند. از همین روست که رسانه‌های جریان اصلی - بی بی سی یکی از بدترین مجرمان است - دایم گزارش رویدادهای ۷ اکتبر در جنوب اسرائیل را تکرار و بر جزئیات موحش اقدامات حماس تأکید می‌کنند.

معمولاً چنین صحنه‌هایی نمایش داده نمی‌شود، زیرا بیش از حد حساسیت‌برانگیز به حساب می‌آیند، اما اکنون فیلم‌ها پخش و بر آن تأکید می‌شود. هدف روشن است: آماده کردن «افکار عمومی» و توجیه قصابی غیرنظامیان بی‌گناه در غزه. بدیهی است که هیچ فرد متعادلی از کشتار یکسان غیرنظامیان در هر دو طرف این درگیری چشم‌پوشی نمی‌کند. اما مردم می‌توانند ببینند آنان در تدارک چه چیزی هستند و به شدت با آن مخالف‌اند.

هر سیاستمدار غربی که دستان خود را به حمایت از توحشی که شاهد آن هستیم آلوده کند، دیربازود خشم مردم خود را در داخل احساس خواهد کرد. سوناک که اخیراً در اسرائیل با نتانیاهو ملاقات کرد و با او دست داد، گفت: «ما هم می‌خواهیم تو پیروز شوی». یعنی او از برنامه‌های نتانیاهو، که در این مقاله توضیح داده شد، حمایت می‌کند. یعنی او پشتیبان کشتار یکسان زنان و کودکان است.

بر اساس اعلام وزارت بهداشت غزه، تعداد کل کشته‌شدگان غزه تاکنون (سه‌شنبه ۲۴ مهرماه) به ۵۷۹۱ نفر رسیده است. این رقم شامل ۲۳۶۰ کودک، ۱۴۲۱ زن و ۲۹۵ سالمند می‌شود. همچنین ۱۶۲۹۷ نفر مجروح و ۱۵۵۰ نفر دیگر مفقود شده‌اند که ۸۷۰ نفر از آنها کودک هستند.

این چیزی است که سوناک حامی آن است. همانطور که او دوست کارگران بریتانیا نیست، او دوست مردم دردمند فلسطین نیز نیست. همین امر در مورد ماکرون، شولتز، ملونی و همه‌ی رهبران دیگر اروپا، از جمله افرادی مانند استارمر و همکارانش آدر حزب کارگر بریتانیا، صدق می‌کند، که مانند سگ‌های مطیع، هر کاری که طبقات حاکم‌شان می‌گویند انجام می‌دهند.

در چنین لحظاتی است که کمونیست‌های واقعی، مارکسیست‌های انقلابی واقعی با حمایت خود از ستم‌دیدگان و مخالفت با همه‌ی کسانی که به نفع نظامی حکومت می‌کنند که اجازه‌ی چنین قصابی‌ای را می‌دهد، خود را متمایز می‌سازند. ما به کارگران و جوانان حقیقت را می‌گوییم، مهم نیست که دستگاه تبلیغاتی ثروتمندان و قدرتمندان بر انتشار چه دروغی اصرار دارند.

درست چند روز پیش، پترائوس به‌همراه اندرو رابرتز، تاریخ‌نگار بریتانیایی، کتابی را منتشر کردند با این عنوان: «منازه - تکامل جنگ از سال ۱۹۴۵ تا اوکراین»، که در آن توضیح می‌دهند پس از جنگ جهانی دوم، «رؤیایی به وجود آمد که صلح روی زمین امکان‌پذیر است»، بر اساس تولد سازمان ملل متحد، که منشور مؤسس آن بیان می‌کرد که امیدوار است «نسل‌های بعدی را از بلای جنگ نجات دهد».

اما آنان بدون بروز احساسی توضیح دادند:

«کارل فون کلاوزویتس، فیلسوف و نظریه‌پرداز نظامی پروس، جنگ را به‌عنوان سیاست به شیوه‌های دیگر توصیف می‌کند، و همان‌طور که سیاست در سال ۱۹۴۵ به پایان نرسید، جنگ نیز به پایان نرسید. در واقع، پس از پایان جنگ جهانی دوم، هر سال حداقل در جایی در جهان منازه ادامه داشته است.»

«سیاست»ی که پترائوس به آن اشاره - و به‌وضوح از آن دفاع می‌کند - سیاست استثمار طبقاتی، غارت مردم جهان توسط اقلیتی از انگل‌های خون‌خوار است: طبقه‌ی سرمایه‌دار و همه‌ی همراهان‌شان. حوادث غزه به‌روشنی تأکیدی بر این موضوع است. این چیزی است که با رخنه به آگاهی میلیاردها نفر از مردم، و در ابتدا جوانانی که در این سیاره زندگی می‌کنند، شاهد آغاز آن خواهیم بود.

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.marxist.com/the-nightmare-of-a-gaza-land-invasion-and-its-consequences.htm>